

و "Gessas" ٥٠، بذحد د رومانه کرده، مینهانه علی جباری این عمارت است - (عده ایمه) (Le Monde Oriental XVII 1923 p.114) Seif

نهاده طوری، کردن - اده سکریپت، ضایل تلمیز او را که کوتاه می‌باشد.

۱۰- میانه ۱۷۹۸- یاری خود را که باید تینجا خود برآورده، خنایی (و خانه ۱۱۲۱) و (برادر) العدد (و خانه ۹۸۲) در ۵/۱۰۷۶
۱۱- خیال اولیه نداشت و درینه قتو اند مانند آنکه اتفاق، صید ببریل بر کار آغاز شد.
۱۲- استنبول فاتح ایامن محمد زاده نقیبی - سعادتی - قزوینی - نزیرخان ۱۷۸۵، تو سلطنتی دیده بود: «
اد راینه سرمه را در لرستان، ایشان را زیرین، حفظ باز کرد و بر کارکذبه بفرات رفته چیز بربیله ساخته ایلخان
ایموزدی. بدکاندلا اضال سیاست را داشت راینه بر احتیت بدراندزدی. این
اد دفعه طردون یاری ملیحه سارده بخواست. صید ببریل زاده آذربایجان کردند. ۱۵۲۰ میانه یاری بین سنت دکونه
همراه رفراز، ضیاد اولیه نهاده بیرون. بدنه کثیره دهه هزاره بازیه و چندیل ۱۵۲۹ تری طغنه ک
پاراد ستدند. شرعن عصره ان اکن املاک اضال سیاست را تقویه شد. اقلای هارنیل، اولیه خی

Neue Chronica Türkischer nation, Frankfurt o. e. Lewenskant

فیض خان ۱۵۹۰ میں اپنے بھائی کو اپنے پیارے بھائی کے لئے اپنے نام سے تسلیت کر رہا تھا۔

٢٢ صراط سترم سند ۱۹ کاغذ نامه ۱۸۲۴

Die von Leiden und Co. vertriebenen Hilfsbücher [Katalog]

الكتاب المقدس - إنجيل متى - глава 99 [٩٩] - ٣٣

بازار اداره اقتصادی را می‌دانند [=]

[٧] مدد سندت بر تعمیری و خایم حال اولهینه: بجهلیه پانزده کس نمرود ۳۹۰۸

Pageant of Chester ١٩٠٥ سپتیمبر - Pageant انگلیسی [۱]

اکل خانی خادمیں، بھائیو، یا خود آئی تکریم اوزن نہ دیں۔ اونتھا اونٹھا اونٹھا اونٹھا کیسے؟

[۸] آدیبه با تندیار - اول نیمه هم سیله ای آمد بس پرده نگلوونه (کوسته) بخت اینه لدیه آشکاره. کلیں یاترو منوره گذه

طبعه بیدل بر صفاته خادعاً ایه ایک که یا نوسته بولکو سرمه هست. بنده مدعنه بولیاند چنین نیزه

وَالْمُؤْمِنُونَ بِهِ وَلَا يَرْجِعُونَ

نیشنل پیال نیا تو نه هار خوده اسده خیله سلیمانی بجزه نوول سایم اویل جل سیاسته نسل برخیشیده دیور
اد، هفته ده آیه دنه در دریافت رازه حفظ نه (۱۶۲ - ۱۶۰) اویله دیره کوچن زاره که مل ره رفته خوا

(برگی خدیده میان) «شیخ ناذل ده صرکار، ضاریان تروری شو خنده به بوده» دیگر دلخواه این را بخواهد.

ملحق مؤسس ابی الحنفی علی الرازی نه (وجائز = ۱۴۰۸) بدریل یا خود اینه سیاسته او دینه نیست درینه
ظنه او دینه نیست ، احوال ، حیاته او تقدیم معتبر است و ادید نقدی نیست . از زیارتی تقدیم اینه دینه نیست .
حال بآرامه معلم و نعمایر و عالمبر نعل (نشانه چندین طبقه) طبقات زی دیگر نیست .

بدری را نماید. مرانی ادیباً و مطریقت دارد و عواد اخیر اینها ادیباً همچو که برازام خود ایده می‌رالا تا خود این طبقه‌ها
صیغه‌تر که برای او خارج رفته باشد اینهاست. اینها می‌توانند طبقه‌تند مسیلم خواهند بودند و با پیشنهاد
آنها زاده بشکرده مسلم شوند. چون هنوز زاده خواهد شد نیزه‌روی خواهند کردند. حاجی آیده را، که در مطعنی
برای آنها خواهد، غرب ریگی داشتند. اینها ادیباً بدانند و حالا بعکره مسلم شوند و مطریقت دارند. اولین مسلم اینها
ضیال قدر دیدندند. اولین اینها ۱۰۰ نفر ذکر شدند. (برنده جلد ۲۰۵) مبنی: (۱) صد و نهاد (۲) کھویہ که Seif

IX ترکیل ساخت رکم، یا هد استاداً ساخت دستور کر.

Depoort & Coppolani, Les confréries religieuses musulmanes, [18] Alger 1897 S. 443 ff.; Snouck: Tijdschrift voor Indische Taal-land- en Volkenkunde door het Bataviaasch Genootschap XXIX Batavia 1897, S. 382 ff.

جاءه ادراكه من سيرته الذاتية التي أوردناها في المقدمة

أديامه ١ - ٢ ٧.٣.٤٦ *Dictionnaire Thesaurus Ottomane*

پاکستانی مصروفہ طیاری پانچ سو نئے فوجداری حصہ ۱۸ دستاویز

۲۷- مکالمہ میں بھائی کا طلاق بنا دیا۔ یا خوب بھائی کی مکالمہ آئی، فائزہ روانہ کر دی تھی تسلیم۔

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا دَعَاهُ أَدْيَانُهُ بِأَسْمَاءٍ
بِمَنْ كَوَدَهُ وَمَنْ غَافَلَهُ وَمَنْ لَمْ يَرَهُ فَإِنَّهُ لَهُ مَالٌ كَثِيرٌ فَلَا يُؤْمِنُ
بِهِ الظَّاهِرُونَ إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِهِ الظَّاهِرُونَ

عی کمتر ده سا - ۵۸

بعضی تینهای کوئنکر کج، بگزینی بالذات میگاهارل ده قدر سوختنیه، مرزو ده آسید که میبرایند چونه بعضی انسنه که میترکنی
تند ای یه یور. ۱۹۸۶ in the *Open* *Journal of the Gypsy Lare Society, New Series, Vol. IV,*
April 1911 Nr. 4 9 240-1 ^{reproduction} (خانقورت ۱۰۹.) ^{جفت شدن} ^{برگشته شده به اعماقی} ^{با تنه پرور} ^{۱۶۰.۲ - ۱۶۱.۷}
Lewenklaas که ده لکیسه میان زمله ده جنگ سفا احمد (۱۶۰.۲ - ۱۶۱.۷) ^{جفت شدن}
اوز ده همراه خیار او بینی داده طباده او بینی برود. داده طباده ده کراپکم احمد طباده نیاز بسکو و دلوی اینکه با خود راجه بی اهل طباده. بر وقوف نیز از ده
حکم شد جدتی ارزش تا عجیه خوار. کشته هر ده ده آنکه در دیسه او دلو سفید اصم (۱۶۰.۸ - ۱۶۱.۸)، محمد بن عاصیه پسر عویض
زیارت ده. بخوبی آن ده خدیده دیده که، خیار او بینی که دهد سفل او غنی شده ایس بـ آمیر الله زیرو مکله دی
الله بین کیانه بعد کیم در سده یازده که میگاهه اوتقونه بیده ده یا کهنه. آست فیله کی پاره نه برقه ۴۵ خود را خوش
دلار ده. سرتمه ل حدا تا ده ده ده اونه، سنته منتف کرد میول نفیمه ایوب استیره ده خرا تکونه ده دغدغه یا زیاره
منزه بجهه ^{منزه بجهه} راهنمایی ده آنکه آنکه آنکه.

باشند. پایه امده و ده ساله ایج اسپرید بود. او در کرسن ادید نیمروه رئیس بدلوزنی اخراج اسلام پرچمی داشت. تقریباً نیمی از زمان خود را در این شهر میگذراند. خود را خوش شنیده طرفدار حامیانه تحریمه شد. ادله داده. قدران خوبی را خود را خوش شنیده ادیانی خواهی کرد. این اتفاق ادید را کوکوییز نمود. باشند. *In dagine* (ماریون ادیدی ۱۷۹۹) ماریون ادیدی ایجند. ماریون ادیدی کوکوییز. باشند. بیزون خلایه در فرانسه بود. خود را خوش شنیده از ایله. ازیون ۱۹۰۱ ص ۱۲. تقریباً نیمی از زمان خود را خوش شنیده ایله. این اتفاق ادید را کوکوییز نمود. قدران خوبی را خوش شنیده ایله. ایله ماریون ادیدی ایله. خود را خوش شنیده ایله. *Tanne* خلوتیل فناوری نزدیک ۱۲

شانزده [۱] گلکی می آهار رف ایدیه. فقط چهارم احمد، آنکه ملطفه در میانه و نسوز زیر است مقام
ای بیو. « پادشاه - گلکی میانه دو کم را کم رو آمد و در » اینجا **لندن** **لندن**
یعنی جگوه، که مصالی اخلاق است و از دیدن اخلاق است بد خیال می باشد بر کوشیده هر کسی و پرسته می باشد.
نهایه سوم - بعد فکار است بزمیه طرب ایمه بیو. « برا پادشاه طبیعت اونجه و فردالله هاشم پرسته عده
ادلسینه ایمه میگه - حال بازی خایدرا نفعه ترا خلاصه تلطفه تلطف ایمه بیو. مذاقه نداره ایمه بیو و خلایلیه. فقط
ایله غریب سطح - ایله خانه زانشه ادیر خیر داده بینه یکینه آغاهه نفعه مناسب دویکه نیکه خایدرا نفعه برویه
کلرو سه و صفتیه.

سفر محمد خان شانزده [۲] مذکور هنکه احمد، طایله حله بیانه آرسنار صفتیه نشنه که ریجیه و بزیریه.
لواره و پیکاره - خلده حریث نانش اوله ختری ملهه بزمیه در و مذاقه نداره فکاره.

شانزده نه [۳] آگویی یاتکه در رسانیده اندیمه خیر داده، فقط احتلا ترکیه ده راه مرد
مقبلون ادلره ساخته ادیر خیر نیتفه ایمه بیو. « آنچه خانه خواهد از اینه ره امده و یا بهن منضم دادکنه، جمهه
صد ایله اصلیه من ایله شفته خانه خواهد از اینه ره امده و یا بهن منضم دادکنه، اینچه
پیار یاترس زنداقیه بدویه در و بگله هایران - هنین دون تا خانه دسته همیله نرفت ایمه ادون بنده شماره -

« صبا ه خاره - کوچیکه هنفیه ادیر دنگ آلمپر د کلوب لوسیونوره ».

شانزده نیم کوهه رویم عد - خانه استاند امپر اهله اندیمه اینچه نهانه در بین اومیه که، بندا
پیانده ضعافه و بزیره باشد، نهانه ۱۷۶۰۹ ماه، ده زنده بزمیه یکی که همچو دهن ادیر خیره.
ادله لایه فرود - اون سفرنیه نه، توکیم بزمیه ایمه ایکن افرانه، سخاکیه توانه زن و زنیه اینچه ایدیه.

شانزده [۴] بزیره داده شتیه خانه هنفیه ده ده شفته شفته خاکن، ایله غریب ادنور از زنیه بزیره.

ایله، de la Croix

شانزده بزمیه در بزمیه در سفارت شهر (بزمیه ۱۶۷۰، ص ۶۷۰) ده پندهه توره بیو.

جهره ایکه و خداه، فقط بزمیه شفته شفته (۱۶۷۰-۱۶۷۱).

بد اوه اکه چیاب - ره غفاره بدم اعد خیال او بزمیه کلیه اویه کوهه جن زاده به پلکانه (۱۶۷۱، ص ۶۰۶).

مهیه خرست دست که بزمیه ایمه او بزمیه یادیه داده شد،

شانزده بزمیه (۱۶۷۱، ص ۶۸۱)، ده کدر ره داده شد تقدیر ایمه: بزمیه ختنه، کوچکه
بزمیه ختنه، خوب کیله شفته هنفیه بزمیه کوچکه، اده بزمیه نکنکه از خانه هنفیه ده خوش اینچه بزمیه پندهه

بد کیفه شرکیه بزمیه، و نهانه ۲۸.۰. H. p. (۱۶۷۱-۱۶۷۲).

بد ایله نفیق ایده (۱۶۷۷-۱۶۷۸) ده سلفت سرمهه در بزمیه کوهه ده.

les voyages du Sieur du Lai, Paris 1654, S. 172. [۵]

شانزده، استاند ایله ۱۶۷۷-۱۶۷۸، فرنیه - ۱۶۷۸-۱۶۷۹، فرنیه - ۱۶۸۱-۱۶۸۲، فرنیه - ۱۶۸۳-۱۶۸۴، فرنیه - ۱۶۸۵-۱۶۸۶، فرنیه - ۱۶۸۷-۱۶۸۸، فرنیه - ۱۶۸۹-۱۶۹۰، فرنیه - ۱۶۹۱-۱۶۹۲، فرنیه - ۱۶۹۳-۱۶۹۴، فرنیه - ۱۶۹۵-۱۶۹۶، فرنیه - ۱۶۹۷-۱۶۹۸، فرنیه - ۱۶۹۹-۱۶۱۰، فرنیه - ۱۶۱۱-۱۶۱۲، فرنیه - ۱۶۱۳-۱۶۱۴، فرنیه - ۱۶۱۵-۱۶۱۶، فرنیه.

شانزده [۶] آرینه قاکن - دیه نفیق ایده. میزکه چنانه ادرمه ده نزد لوبره و خاکن که ده خیانه هر علاوه مناسبه.

بانهه ص پیش د نه (خودرو بزمیه دهن) : Rekterreden II (Hallese Rekterreden) کو شوریکه که خوفنا

ادیر خیریه اسکیه اگزینه حقانه ارد.

(بزمیه کوتلی سفنه)

grand seigneur

کیون کردا لایه سنه، ص-۱ عطفه صورتی را چندی برای او نموده خیال قدر خواره کوست بیدار رو. » [۱] ادیت زیر
عصر ره ندلی خیال یاتاروس اینه صایخته دلیله مسخره ده. احتله خیال-خانه زرایندیه خیال او بجهه شریعت اینه
بر همده عاشد. ۲۲ خرداد ۱۳۴۹ (۲) وه بروزه ایلکنی آنچه نهاده از کاری به نهاده *Mariionette* بر
بیویل بر احوال اید خیال یاتاروس بکلمه اول طلاق. [۲] بیکدهم -۰- اقوار ادیونه بروانه نه دین بازیں ادیونه
زیارت سنه -۱- است و ده برایها اولینه کوردندیه. [۳] او آلبوم *صطفایی* (۱۳۵۰) تخته نه روسته هه ~~حصار عصب نه~~،
عاصیان است ببول ت خیسته، عالیه ۴ تکه ایه کوردندیه که بیهوده بازیه کوردندیه که ده نفعه ایه که ایه کوردندیه:
او اهلک برباده که هنره کلامی خواهد بیانیں ادیونه بیکارانه، ۱۸ بن عدده هلهه. چکه برد تقدیم مذکوره
برخاکه. خیال یاتاروس ادیاده میباشد و اینجا هی ساتیر (Satire) اوله دی. (Organ)

(حدست) موسسه [۴] بدمی باشید: « نظر بعضاً آیه کسر، در حق و آتشی و حیله نه آبر دادن عاتیه نه بقایانه
عنوانه دلخواهه بجهه نه نیم ایلکه. ۱۳۶۸ سنه همه صربیه اینه استه، فرقه به دستیں خوبیه ده
دلخواهه بجهه کیمیه هفته هی صفا-ملکه (زیر ایلکه). او ادیاده بایه هنریه مذاخر برجسته و فرا که
لهمه اطرافه، دادنک های تدریز بر قاده کمیه ضربه ایندیه سید. اوقاره بیویل جه لغیشه خوب اینه بدرفت، ~~لهمه~~
بسیفته بقول ای ملکه. او خله آیه کورد لتو ای ایه اینه کیه حالنه» برجسته تکانه ایه حق بجهه راه
دیگه خاره کاره ایست ~~لهمه~~ عاره نه همه ایه کیه بیهوده کاره بیهوده کاره بیهوده کاره بیهوده او راه
بنه ده آیس، خسته ره برجانه سولنه اوینا سه ~~لهمه~~ خاکه کاره سرتیه خاسته حیه ایه کیه راه
هنر خاره اینه، کیمیه ایه طرفه برجسته بجهه آیه ایه ایه بجهه ایه ایه بجهه ایه ایه بجهه ایه

بر جای تقدیم، فن آرایشی قل و قدر از پاپانیان اخوندی محسنه بود - توان این صنیع حقیقتی علاوه بر برداشتن
حینه زره برجی - ر - دلیل ادبیات سده و مکتب حارمه کارهای اینه ل - عده نه عجیب اکثریت اینه برگرد پالانی او نیز در درسته
او را خانیا کردن سه یعنی قایقی همی اینه از زره رایه کند کاره - بر لینه فخر خود را به مردمه میزند - اینکه میانه
حلقه تخته کوزه ل - خیال پیامده تکلیف دارد - ^{مشهد} مذهبی بر خادیه داده میزند - همچنان پنجه جا - تابروانی آنکه آنهم
مع المحنیه سعده استادی ادنی - اینه عده معطف اینه به برادره فضیل (بد کاخه) خسرو داماد بخش
ارعا نیمیت اینه میو - ادیپه بنی سلم (۱۷۸۹-۱۸۰۷) نیستم قاسم پات نه صحفه اینه - بر خیال ادیرنیسی را که
این بیو - [۶] آنکه نگهداری نهاده (۱۸۲۹-۱۸۰۸) میزند.

Documents inédits pour servir à l'histoire du christianisme en [s]

Orient de P. A. Rabluth (S. J.) Tome I, 3. partie, Paris 1907.

فدرگر II نمره ۸۹ . . . Sing. H.O. 85

أقر و مولى الله (٢٠١٣ - ٢٠١٤) بـ (٢٠١٣ - ٢٠١٤) بـ

آلهانه-رده، هدب تاریخ طبیعت، آنچه طبع، مولین ترجیس م-۱۷۹۷-۱۹۸۰

١٩٢٠ء۔ Berliner Tageblatt۔ اولین نسخہ ایجاد کیا گیا۔ این رائیانہ باد۔ [۶] میعاد بنایت و میعاد بنیت ایجاد کیا گیا۔

[٦] نایف علی - خا: تما - observed donkey () ق مانی ایام
نیمه پاده ۱۹.۰۱.۰۷ در بروی انتا - ایند سیاس مزای خا - اکوز فرزند شد.

مقداری دنیه ای طز و رود یا پول یا بار یا بایک است. این برابر سده است و در هر دو خصم پرسیده اند. مقدار شانه کیا کون Karagizo^(۱) بده نهاد اول خس ادیگی. به این معنی ایلاف بدان ۱۹۱۲ سنه اداره برداشتی اتاماده کردند. بکار آخوند و بعده برداشت با صادرینه، تائمه ایستادی. بجزیره قاراگوز اویرقی Giosis^(۲) ائمه، صنعتیل دول خالیشنه، تابلتنه بونقه خواسته، اهدیتم. (خواه) مکاره ایکم باشی دومن یانه Zaxvadinos^(۳) زخه، خیزه. اونه نه که خونه سنه بیان خیال تیاتری داشتا اویا نه استه. سوتی باریش نه بکار آخوند بیدیر ویدکی، صندوقه بکار باریش، بیان خیال تیاتری سنه تاییر ایسته. اونه (ادیونه) خدمانی Charakterperson^(۴) بیان نه، ایکن ایمه Agbaritys^(۵) آگباریتس، Térygala^(۶) تیروگلا، پریخیا^(۷) پریخیا.

۱۹۰۷ میلادی در بوداپست از تئاتر هارون کاراچویز (Három Karagöz) بازیگران اینجا
در اینجا در سال ۱۸۹۵ برای اولین بار اجرا شد. اینجا کاراچویز از اینجا طبع آمده.
Litter. Zentralbl. 8 Sept. 1900

باد خوب آنند و ام ۱۱۲ - " بندانه از هر کجا می خواهد باید بخواهد " باشند
باشند " خوب آنند و ام ۱۱۲ - " بندانه از هر کجا می خواهد باید بخواهد " باشند

Konstruktion

John Oberholser, Christiane C. Oberholser, Halle a. S. 1909, S. 1314, vire
آنکارا دله (آنکارا آنکارا) نامی بود که معمولاً اولین طریقت نیز و اولین خبر بازمطابق اسرا خواسته بودند
آنکارا... باد ۱۹۰۷ ۵.۹. Sarajevo, Skutari, Ippen.

تمام هیاد عنده هرگز سه هزار بیانیت می خواسته باشد که حدس زن را که خیافت شده خالی کند. و هاچی دار - جاس او زین که می خواسته باید پنهان آشنازه ای اولین معاشر است طبله هرگز فاکتوری صالیح نماید. [۲] بد اساس شده، عقده کلیه صفتاه هست
نقد ایده بیانیو: بجز ایکوزی تایپیکی، هرچیزی ایکوزی، معالم، آشیانی، و دندویانی، و دلخیزی،
حنه لرین با - ایکوزی کوسته دلی رو قتو رس ایغ. بوند عده Moral یعنی جو صورتگاه کرده باید نه
کلمه.

میال حنفہ کے سفید جو کرہ اصل رکھدے، باشندہ دیوار دیوار اور بائسندہ آئندہ، بعض اُن طبیعت اس طریقے *Natur-mythen* اسی نکیں ایں۔ عجم و ترک و ساندہ آئزیا خلوبنارہ دیکھ لئے فلسفہ کتاب اول روایت چورہ اوتونامہ ~~ذکر شیوه~~، توزہ ف خون ٹھامنے والہ کو دیکھ کر آئے اور خیالی طرفہ استبدال و سلاسلہ * پر وہ آئف سنه اوتیانامہ خرد و تیرہ مفہومی وہ توستاخانہ ضبط و فہمی ایکدہ تام میال یا تزویزہ وہ طاسی تکلیل ایہ ہے۔ [۸] ماضی ۲ تکنیکی تزویزہ دہ - عقیلہ ۴۰۰ [۹]

وکیل اولی بیدار نه سنه سقا طبیعته طولانیه ~~نخست~~ جوا ^{نیز} عکس کاروره متهم نندل او در سن
کو کله کنیمه بولکید و بزرگ حربه . از تله کی در مرضه استفاده ایم . آر ماوره راه خدا بهی . انت
برنارد بی او ره دی تک برگردانه او بینشی . مانندی ای ، چنفده سوپ جذابه کوست سیر .
آیلر Sarajevo ندیرا . قفق قاده کو که بکو یکی دیدنیه یانه آفرایه او خود ره ، لغزش
ایمیلر . نلا بی جو سر قادکو : یادم نخونه : خیم خیلی مانه ! صفاتی ص - ۱۵ " خدیمه
کیت و سبدک آفتایه . ولیک کدی ؟ ره بعکا ترا فرا ه شکر غلیلی کو نه ایلیور .
آزاده دار مقبول بیکیس ایه دلو ~~نخست~~ ۱۷۰ نیز خیمه کی ، بده بولونار نکفت ده کوست رکیکیست ،
کد اس دادنکه نایمه نایمه خیشه ؟ عیاش بکو معطف اید ازالته بر قشوم میا و بیمه که رو زیور .
که بمن راینه هن دادید نیس . نایمه نایمه من ایجه سالخیز (در در ۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) نکلنیه
سر جیلی ~~نخست~~ هم مرتد .

برکات از باد : ۱۹ بنی علی در احتمال حبایه در "Theobald ziegler" صفحه - ۱۹

ظاهر ایله - که همه خدنه هنای بوده خدا نیا توونه سخن داده است - این یقینه کی تا لجه هه بر مرضوه خوشده خدا نویشته است -
به عوامه حس رسیده، ظاهه بجهود استخباره دکتر اینجوره - دلیله دندجه بنم اوینه فری نویشته است - اینکه
آنکه این طرفه سخنه که به عنانه و خذنه طرفه (اردو ۸۰-۸۱ ص ۵۹) و متفاوت (ینه تهربت)
ترس نه داشته دیه با صلحه اولیه اویله سریبی را *Edda* [ستار الہ و قدرها فی عالم ما صاحب اولیه] نه
نمیشوند اولاده اولیه ایمه مرضوه غیر آن آلتند؛ پهنه بله اینکه، خدا که نه
بر خیز داره اونکه ایچونه سویله نیو - اولاده بیخ ^{۲۱} همه دیپه که سویله دیگه کوچه، مرضوه خدسته
چیزنه اولیه پیش : "ستاره ... زاده داده طبع پیه ستم مخالف ایمه کلهه خیانته صدقه برا کلهه ایله
و دکره شنکه خود ریس خاده میفاره مختلف شکده بندیه تیخته ... هناد اویله نه خود چیزه ایه متفاوت
عده ایمه که قویله کیه ایچه خوده که راه محفله که بیلا بر کیه ده سعید، میکاره تغییره هفایه دی، لیمان و ستویه طرفه
فرزاییه ملده هفایه دی و ماصدحه هاچه و سرگه خیزه دیگه بیلا بر نیله یا - دیم اینه اولیه
دیوین ایچه (هفایه دیه) دلاره مخفیه سیمینه، دکره آنلاین قرعینه در

La dame du lac مخفیه ایله ایمه کنل اولاده بیکویه برا اس مرضوه داره. ینه
Chauvin's Bibliographie VI S. 11. *Caire et ses quatre galants*
مخفیه بکھایه راهه ایکه بمنه ده کیه بیو - ینه چا هاظه ده کی نامیلو، نفیله جسله هفایه (الله الحمد
والآدات *Van Vloten* طرفه نزایله اویله ۱۸۹۱ ص ۷۴ و متفاوت). بر خیانته
(^{۲۲}) *Kathā Sarit Saagara*

بالده مخفیه، چنلیه *Ta mien Kong* (اونه چنلیه نه فریه) و نداوه ایه بیو -
کلیانه ^{۲۳} نهیں - باشغ برقه کیه خیاد خود ریسینه (ستلهه دلاری) ^{۲۴} کیه باب نهه چالیه، داده
نام ایه بیو - اولاده ببابه تاره ایه - (دیر بیو)، بیله بیکه ده ^{۲۵} دیمهه الرستیه همان دی آنچه زیاده
ساده ایه که مخدوه مخانیه برمیخوهد هفایه ایمه بیو - ^{۲۶} *Vulgata* (۹۰). ^{۲۷} راص
نقد ایشیه بیل - خود نه نزاینه که سر منه ایه سندیه ^{۲۸} خیزه بایلهه اولیه "داره خیانته کی الله" و ایمه تیکن ایه.

هر یاده ایله بیغ - ایمه همه ادیانی ص - ^{۲۹} *[۱]*

هایخت نه تاجیکه ^{۳۰} نی خلدحن ص - ^{۳۱} ۸۴ و متفاوت نه

Almodern arabic Tales, Leyden 1905, Nr. 32: *Haddutit il Chantadscha illi bibil* ^{۳۲}

رطیز سالاره تعداده بیل ایه نلایز قدم نهه ^{۳۳} *N. 18* ^{۳۴} *[۲]*

هایه دسته - نزد معاصر *Nagif* ایشیه و فقهه - اینه صفا بید اولاده ایله کاره، لایهه خیزه بیل دیمهه داده دفعه

اده دلاره نهایه بقدر ایله دن طهوده همیان بیاوله طفنه نزایله - ^{۳۵} ملائکه ۱۲۰، صفحه ۴، عصریه ایمه ایمه،

اویمهه ایشایه و لکت خوده نهه معاصره ایمه سردی طفنه ده سویله نزایه - ^{۳۶} *[۳]*

دیکه بیان ایله نزایه نهه خایمه ایمه ^{۳۷} *Richim* (ایه قیاد اویله نهه ^{۳۸} کیهه دیمهه کوچنیه).

ناکه). ایشایه ^{۳۹} *Siegfried Traenkel* ^{۴۰} *[۴]*

صفیله دعفله دول : جرسانیمه که مجاھله (مشکله) ^{۴۱} نه جزو

به طبیعت اسند و دری خوبیست *Hypothesen* جویه تبره ایه بر مخالف او ملطف بگابو، بداره ست^۲،

متسطر ده بوزیر لاه بذاخته سرتیله سنه دیکه لیور. [۱]

مهد ده، که دیگر کی نایابی صادرت کرد، خارج شدی ایه، *مختصر اینکه مترد*... اسدم میا د چنست کوزه ه

حیم اسلوب اهنجاره ده چیزه منقاده ده ماره لاه بزیده مصلحه مخصوص بر خارجه را که نظر ایه سیه... بوزانه^۳

موده زده مرصده ادینایاره هر لاله باشه ایکه سرمه نیکه استفاده ایه بیمه ساده لری ده کوکله. مختلف آنکه ده

بنج غایقته حائز پایه لر بولندزه، بزند خفته به استاده عالمه دار که اونه اتکه ده تبره بیه ادناهه خالقه، خنده

ش روکیز میله ملیده سهیه نه کیشیه کیکه، ده بوزانه کیکه بر غایقته هر ده اید ندره برسی اوندزه بینی طونه... اینکه اینکه

اسند بیه، (خدا سیک) تک ایل ساخته لفته ادلاهه دریه نه صنعت *لطفه* ~~معجزه~~ سعف افلو ان خا با خدیزمه

خرنیه قاره... برقمه ریمه ریه دولتست... [۲] هنجه خفته ایه تبره بیه خاده صحیح ایله خبر خوده یا کلمه

میاد اید بوزانه *بلطفه* ده راهه ساصلاللهه، واصله شرطیه نه بوله نویه... خارج شده کم سرتیله نه کلمه

اتریع *تخفیت* ایمکنیه، صوف نفه، نه بوزانه بوزانه عاری ای نه، فیضه خا اکونیله خا با رسوتغیر

ساخته سفته که خارجه قاره اینکه، بوزانه تبره میاد اید بیه، صاحره ده صنعت ادیله بیه،

تفلیع *حقیقی* اید اونه ده اوند مکله بیه *شیکه*. جه باندزه وصی لار ملکیه بوله بوزانه بوزانه بوزانه

قفده بیه میاده، *وقتی* *Ogatai* ایه جانکارل تخت لوکنه ده... صده مدیه ده بوله فاغ سلم اید بیه

نیویه اید بیه بوزانه بازهان قاله و ده بیه عواری اکمنه بیه و ایدن هنله زوجه بوله اید ایه *وچه* ده بیه بوزانه

و شناخته اید ایده که عقیلویزنه بسیعیت محمد اوچه بوزانه دیگر بوزانه بوزانه بوزانه بوزانه ایله محمد، *حکم*

ایله عبدالحسین بوزانه ایده سه آلتنه هاشمه اتفاق ایه کشنده ضروری بوزانه خاره ایده *سرای* خاره کردیه و زها

مالکه بوزانه بوزانه

کیشیه که قوت نه هزینه در عصریه هوله بوزانه تکه بوزانه بوزانه بوزانه بوزانه بوزانه

بیاضی بوزانه بوزانه آلتیت خسته شفیا ایده ادب و مدنی اهتمام کوئه له او طایه نه تکه شکله نه اراده

یعنی ایده... *تفلیع* *جاست*، *عصریل* بوزانه بوزانه بوزانه بوزانه بوزانه بوزانه بوزانه بوزانه

ایه بوزانه بوزانه

یا تدویز رازه خا اکونه *حمسیک* خنفه هنیه لرخه ایه و ایه ایده *استیزی* جو دنه ایه ایه بوزانه

و *آشتیزی* *و زلف* *افتشار*، بوزانه ایه، ایه بوزانه بوزانه *مرفت* ایده ایده ایده *خطمه* *هم*

اده ایده بوزانه بوزانه بوزانه بوزانه بوزانه بوزانه بوزانه بوزانه بوزانه بوزانه

منیعه مدها ده آستن اولینه *تفلیع* ایده... [۳]

[۴] *باصله* *هانی* *سنت* *من* *زانا* *لند* *پاسخ*، *هزینه* *د* *۱۹.۷۵* *بیم* *د* *اصدال* *در* *اویا*... ده

هزینه... ۱۹۰۴ *۰۹/۰۹/۱۹* *۱۹۰۴* *۰۹/۰۹/۱۹* *۱۹۰۴* *۰۹/۰۹/۱۹* *۱۹۰۴*

بروس *و* *پراجنتو* *Partajento*.

بعیج جمهوریه اوینه منه لیبرلیه کوهه دکله بالکه تولع *Kočevje* * نه تالیف ایله بوزانه.

Copie

Turk. Bibl. Z. 7, 8, 14, 18, 19, 26 *نقدی*, *سیلک* *باصل* *باصل*:

[٦] محمدى سراج الدين حب VII - ٢٠١٤ - دعائقه : ملحوظات فلسفية

[٢٨] حبقرن هم عجیب ام رفیع شدی بر جوهر یه است مت اینچه. توجه آنکه - لری خر عرب زدن ره (۱). و دید معاشر،

• نادیا (challenges Nicolle 1905 S. 56 819) : نادیا (challenges Nicolle 1905 S. 56 819)

العنوان: دعوة إسلامية لـ**الله** (يحيى) -**الله** (يحيى) -**الله** (يحيى)

Alexias ed. Reifferscheid II S. 265

لوبیا ۵۷ - ۰۲۸ - ۰۰۱ - ۰۰۱

حکام ادیب نزی خونگشی طہر ص-۲۸ ۴۰-۲

39.881.2 fold based ID 2000.09.15

Alhandl.) (چندین) بین خام خود از تحقیق اثبات نموده.
der GGG, Philologisch-hist. Kl. V. T. Band 2 Nr. 5. Ernst Traenkel.)
H. Martant, De la représentation des figures animées chez les .
Mousulmans: Mémoires présentés à l'Institut Égyptien I 1862 S. 61 ff.;

Chauvin, la défense des images chez les Musulmans: Annales de l'Académie d'Archéologie de Belgique XLI, 4^e série, tome IX, Anvers 1897 S. 403 ff.; Snauck Hugr=onje: Z. Dtsch. G. 61 Band 1907 S. 186 ff.

نحو، اصلان

بر صحنه یافته خاله سامیل ناماً عرب صرف تأثیره آلتند و تا نمای اولاه بجز باید این را حد بود که کنیت نویزید
شکی مکتاب معید النعم ندو سنبور (Allygramman طبع لوسنده ۱۹۰۸) : "سید شفیعه
البـ فـیـهـ آـیـهـ حـدـرـاـ دـرـ اـدـارـهـ اـنـ صـحـیـهـ کـرـهـ بـعـدـ عـدـمـهـ" . بـعـدـ کـیـهـ کـمـیـهـ کـرـهـ دـبـیرـیـهـ کـمـیـهـ
شـمـهـ خـیـاتـ کـوـنـهـ اـلـهـ بـعـدـ حـدـرـهـ جـانـ دـبـیرـسـنـ اـلـیـهـ مـکـلـیـهـ نـدـاشـتـ وـمـنـ کـمـیـهـ خـرـقـاـ .
بر تغیر (آموزیه طرز) بعد خاله اویین من علیه نیز عیوب اوله دارد ، و تغیر طرزه خاله نیزه اوله بروزه
من هست ، یا شاید بهم متفاوت باشد این عائمه ، فقط خاله اویین تکلیفه نوکه دارد جیوه شیوه ایلهه و اوله
(تکلیف) اداره ایه لکه دار که جون و کنکن صدقه مایه رسیمه کاری و آشیمه یا تاب مایه خابلینه اوله قاره ایمه ،
= ادیونه عات سنتی نیز . [۵] . خاله اوله ساده بر لفاظ عطفه ایله (یعنی همچو خواه) ، آدبه که کوییه
ملکت = یا نمای بزمانه اویینه کی ، در گنجینه بدر ناده ایله ملکت کیه بیه کهنه بیه یهه حدیمه خوییه مخفیه ایه بیه
معنیه و بعایله خداه بدو غفرانه که زده استواره تعلیم خاله تیاتر ارم توصیه تحقیقه زده با غیره داره و آوله داره ،
صور ایصیود ، باعیه متعارفه نیایست عقلم کلام بیه خواه بوده اوله نیزه . [۶] [۷] [۸] [۹] [۱۰] [۱۱] [۱۲]
ناس خیز نیله اویینه بیه سکل حقشه ملعقاته و بیه بیه " اونهه اویینه صد هفت سه هشت و بیه کمیه یا تیلانه
اده داره بیه خیلانه . [۷] قلم آملاشیو کهه . [۸] آیه خاله اویین تکلیف خیل بفس کنیه عایله اولاه پات ،
و هم بینه ایونه ایجهه صانیمه آلتند بیه اونهه بیهه اویینه بیهه و بیهه کمیه فیضه داره . [۹]

Luzac's Semitic Texts and Translation Series Vol. XVII

بۇ خەمەت ئىلىكى كى باخىرىرى - اين قاسىم خەشىئىنە، سەتاب ئەقاھىنە بىلە ئەجىدا رايىچىرى دەلىپ قىقىنە. بۇ خەمەت ئىلىكى كى باخىرىرى 20 نومبر 1999 جى 192-192-192-192 جى مەدەنلىكىنىڭ تىكالان
يادىرى دەلىپ قىقىنە، بۇ بىبىزىرىدا اسما ئىلەدە طاشىئىم بىر قىقىنە، امنا ئىسى. بۇن خەمەت ئەتابىدە مىنۋار قىقىنە
كىنە ئىلىكى ئىلىكى مەنچىنە، بۇ يېڭىنەس سەغىرىرى بىر ئەنلىك: بۇ

[٤] فرمیتار کیمیاگری بیان مکان زیستیه نوگردند که باشد مثلاً Drasark کلیس ازین یاد را هایزاید

سقد - آیه کریم

آن اسلام خدا او پیرتی تکلفت اند میباشد و نه راه آنکه او لذتمن کو ز آنہ بزیرک اوزناره صد بختیه جنگی به
بزم آنچه اتفاق نی خواهد شد. اخ خالصیه، این اسلام میباشد و خوده بر جو قدری بجز این اعنه اوسته، ستفهار و توسله
کی ایدیه بوده هر قدر بکه اینه اونکه بدم بیه بزیرک از احباب او لذتمن را به باقیه ۱۷ نی عذرده فیضان

مبنی حفظ آیه حیدر، باهه مطالعه ۱۹۰۰ میلادی "Erasistratos Walter Schulz" و "Tamilos Kühnel" ۱۹۲۵ میلادی

حفظه حفت اولیه، خاله نه عالم پیغمبر قدر ما رفیع و اسلام نه بجنی و ایمه و "Orientalische Archäologie"

ایمید بمن صد بنه نزد اینکه ان ایمه، مخالفه ایمه مهر هنیه او پیرتی تکلفی ره. اینکه شور ایله بزد و آفرینشنه که
تا زیرمیه، صد و بیست و سه ایمه بیست نامه و فقط بده آنیه بخاطه ایله بزیرکه و بمعه آنچه صفا فلام دنام اوله از بکاره هم
و ایه مختص اوله اولیه. خاله ایمه اینکه غرب نیما جام نثار نیله بمنزع جاذب سنه ره باقیه بزرگواره لازم که.

"Tragödie" خادم بداره و ره بز خاره اصلیه نهاده "Rekonstruktion" بخوبی اینکه

(۱۹۱۷ م - ۱۹۲۷ م). مخفی مهر هنیه ایمه تکلف شده باسته بر اسلام خوش بخوبی عصاینه که بزنه باکثر
کشیده بکله بزنه بکله بکله

آنسته دله. عجم که بکله بزنه بکله بکله

خود را مهر هنیه عجده قیمت نهاده. خدا را بخوبی تکلف زنده بزنه بکله بکله بکله بکله بکله بکله بکله بکله

نم نزد بز نزد

آنکه بکله بکله

بکله بکله

بکله بکله

بکله بکله

بکله بکله

بکله بکله

بکله بکله

بکله بکله

بکله بکله

بکله بکله

بکله بکله

بکله بکله

بکله بکله

بکله بکله

آسوده با خود باند تکلفه (نمرود ۷۲ ص - ۱۷۶ یعنی آنکه) باهه، این رانیا، برقیه ص - ۷۹

[۱]

اویزه کیمیلر بیرون گشت و متعارف gratesk خیانت‌کار صلاسیانه ایکه بیدویل جو پیشتر سده القابع پیاده رکب باشد.

تیکان کوزه د کوچون صفت امراضی بن Sarajevo ده قدرت آینه) سپاهی، بینه‌دانش خانه فرشته خانه
بلطفت پوشیده می‌شدند همچند هر قاتل پایه پنهان، سپاهی، شفیعه، کوچه ده بجهد وی پیشواز (عینم بخشنامه دریک).

بعد تیکان قدسیه بریلله خیال حسنه من خطه اینه اولا بیدار؛ ایکه سیاسته اداره دل نه خانستنیک نیته را تو
بر صحنه نشود و اوله... تیکان نکاح یا تأذیه حاضر نهان ان مرده... اسق منه را فه اینه عده...

اسکندر خوشم صفت ده نفعدار دهم برا استاد کاره اولا بیداری. مه اویله تئه البستر Richim A
کی بحقه نهد متازی ~~لکل~~ حداد سما مانده و... [1] . ~~خطه~~

خیال حسنه من خولیکاری و سرمه یا یاره اینه من تفهیه ایکه آریا خانته سینه سکلوا و د کوچندری خیال

اویله فیس اویله با تشویه زنره اوله طدیدنار سیجیله اکه مه اینه شوری ایمه پرده بخوبی. دیگه سکلو کی

دیگه پاییله بدلیل برسکه که ترمه و زیر، سنباده بجهد نهان آیینی سرگشتنیه لغدری ایدلکه شکده و... رغ

Ruch

سدنه می، بجهد خادن ایکه که دی بیدول بـ ۱۸۷۵م قوییه ایمه بـ ۱۸۸۰م اینه مه کوسته اصل ایمه پرده.

ها مهد... د کی بـ ۱۸۸۴م Barak ده ~~جک~~ اعدکارا، کنیده، عینه نیله ده کوتاهه ~~بسی~~ ~~بلطفت~~

~~شیخ~~ انجنه ~~شیخ~~ ~~شیخ~~ ~~شیخ~~ ~~شیخ~~ ~~شیخ~~ بـ ۱۸۹۵م ایمه سب ادله Luschans د کوچندری

هر کوشه را... بجهد امحل استخفا خ ایمه نینه آیینه حسنه نهه (لایه ۱۸۸۹)، منکه منه فه مه تخلیخ "کوارخو" ~~خطه~~

نامه آننه، طنیو بکسر شکده ایمه خدنیه، نهعلی بـ آسلامه و دکه شجنیه تریم ایده سیده. ~~کمک~~ ~~بلطفت~~

اویله فی، هرگز دیسی برقی برآتیه در آننه ~~مشه~~ رغد... پیشیه بـ ده ایمه مس برزخه اوله روی

دو درجه بـ ۱۸۹۴م ایمه دیکه ~~مشه~~ بـ ده ایمه ~~مشه~~ ~~مشه~~

سے ساقیه تـانـی پـر مـقـفـتـهـ مـلـعـنـهـ حـاطـهـ اـیـهـ بـلـهـ نـهـ حـقـوـقـهـ مـنـدـ دـوـ قـبـوـرـ عـلمـ

خرنار و تـهلـیـ خـرـنـیـهـ تـوـالـیـهـ اـیـهـ لـلـهـ وـلـهـ دـلـهـ دـلـهـ دـلـهـ دـلـهـ دـلـهـ دـلـهـ دـلـهـ دـلـهـ

بنـاـنـلـهـ مـلـتـدـیـ لـلـهـ دـلـهـ دـلـهـ

خـصـهـ اـیـهـ بـلـهـ دـلـهـ دـلـهـ

کـلـهـ دـلـهـ دـلـهـ

اوـرـهـ اـیـهـ مـنـدـهـ دـلـهـ دـلـهـ

برـغـهـ دـلـهـ دـلـهـ

هـ اـفـلـهـ دـلـهـ دـلـهـ

کـیـلـهـ دـلـهـ دـلـهـ

کـیـلـهـ دـلـهـ دـلـهـ

کـیـلـهـ دـلـهـ دـلـهـ

کـیـلـهـ دـلـهـ دـلـهـ

کـیـلـهـ دـلـهـ دـلـهـ

کـیـلـهـ دـلـهـ دـلـهـ

کـیـلـهـ دـلـهـ دـلـهـ

کـیـلـهـ دـلـهـ دـلـهـ

کـیـلـهـ دـلـهـ دـلـهـ